

Application of Thematic analysis method to understand Quranic topics in Islamic culture

(Case study of the network of themes of Surah Al-Anbiya)

Mohammad Etrat Doost*

Received: 2021/10/28

Roghayeh Zahed**

Accepted: 2022/10/14

Abstract

One of the research gaps in the field of Islamic culture and communication is the lack of proper use of appropriate research methods to understand cultural and social issues in the Holy Quran or other religious texts such as the collection of hadiths of an infallible Imam (AS). Obviously, until we can identify appropriate seemingly scattered and irrelevant topics and issues among religious texts and draw a network of themes, we cannot have a deep and accurate understanding of those topics in context. Islamic culture has been achieved and consequently we will not be able to use them to draw appropriate practical models for the Islamic society. One of the suitable methods for accurate and systematic drawing of the main and secondary issues scattered in religious texts is the method of thematic analysis. Therefore, in this study, an attempt has been made to explain the application of this interdisciplinary and text-based research method in order to understand Quranic issues in the context of Islamic culture with a case study of Surah Al-Anbiya. The reason for choosing Surah Al-Anbiya is primarily due to the scattered topics and stories of the divine prophets in this Surah and secondly the disagreement of the commentators of the Holy Quran on determining the main purpose of the Surah. The results of the research indicate that out of a total of 112 verses of this surah, 263 "basic themes" or key messages and points can be deduced that the network of themes finally explains the direct relationship between the three categories of monotheism, resurrection and prophecy. And scattered topics such as the biography of infidels and their gods at the Day of Judgment, the biography of the pious on the Day of Judgment, providing details about the miracle of the prophets, especially the miracle of the Prophet and selecting parts of the biography of the divine prophets, in the context of these three specific categories.

Keywords: Method of content analysis, Surah Al-Anbiya, Islamic culture, cultural identity of Quranic subjects.

* Assistant Professor in Department of Islamic Theology and Education, Shahid Rajaei Teacher Training University, Tehran, I.R.Iran (Corresponding author).

Etratdoost@sru.ac.ir

** Master of Quranic and Hadith Sciences, Teacher Training Shahid Rajaei University, Tehran, I.R.Iran.

r.zahed.1365@gmail.com

کاربست روش تحلیل مضمون برای فهم موضوع‌های قرآنی در فرهنگ اسلامی (مطالعه موردی شبکه مضامین سوره انبیاء)

محمد عترت دوست*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۰۶

رقیه زاهد**

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۲۲

چکیده

یکی از خلأهای پژوهشی در حوزه فرهنگ و ارتباطات اسلامی، عدم استفاده صحیح از روش‌های پژوهش مناسب جهت فهم موضوع‌های فرهنگی و اجتماعی در قرآن کریم و یا دیگر نصوص دینی مثل مجموعه احادیث یک امام معصوم (علیه‌السلام) است. بدیهی است تا زمانی که نتوانیم با بهره‌گیری از روش‌های پژوهش مناسب، موضوع‌ها و مسائل به‌ظاهر پراکنده و نامرتبط در میان نصوص دینی را شناسایی کرده و شبکه مضامین آنها را ترسیم کنیم، نمی‌توانیم به فهم عمیق و دقیق آن موضوع‌ها در بستر فرهنگ اسلامی نائل‌آمده و بالتبع امکان استفاده از آنها جهت ترسیم الگوهای کاربردی مناسب برای جامعه اسلامی را نخواهیم داشت. یکی از روش‌های مناسب جهت ترسیم دقیق و نظام‌مند موضوع‌های اصلی و فرعی پراکنده در نصوص دینی، روش تحلیل مضمون است. به همین جهت در این پژوهش تلاش شده است تا کاربردی‌ترین روش پژوهش میان‌رشته‌ای و متن‌محور به‌منظور فهم موضوع‌های قرآنی در بستر فرهنگ اسلامی با مطالعه موردی سوره مبارکه انبیاء، تبیین شود. علت انتخاب سوره انبیاء نیز به جهت طرح موضوع‌ها و قصص پراکنده انبیاء الهی در این سوره بوده است. در این مقاله با استفاده از روش تحلیل مضمون، موضوع‌ها و مضامین پراکنده این سوره را شناسایی و ساختار نظام‌مند آنها را ترسیم نموده‌ایم. نتایج پژوهش بیانگر آن است که هدف خداوند متعال از نقل داستان برهه‌ای خاص از زندگی برخی پیامبران الهی در این سوره به‌منظور الگوگیری از شخصیت و رفتار آنها برای جامعه اسلامی بوده و شبکه مضامین این سوره، تبیین‌کننده ارتباط مستقیم سه مقوله توحید، معاد و نبوت با همدیگرند به‌گونه‌ای که دیگر موضوع‌های پراکنده در بستر این سه مقوله، هویت فرهنگی و اجتماعی پیدا می‌کنند.

واژگان کلیدی: سوره انبیاء، شبکه مفاهیم قرآنی، روش تحلیل مضمون، تحلیل مقوله‌ای.

* استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، جمهوری اسلامی ایران (نویسنده مسئول).

Etratdoost@sru.ac.ir

** کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، جمهوری اسلامی ایران.
r.zahed.1365@gmail.com

مقدمه

قرآن کریم آخرین کتاب آسمانی و معجزه پیامبرخاتم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) است که برای هدایت انسان‌ها از جانب خداوند متعال بر بهترین و کامل‌ترین بنده خدا نازل شده است. محتوای این کتاب بیانگر آن است که دربرگیرنده تمام نیازمندی‌های انسان‌ها و جوامع بشری در هر عصری می‌باشد. اندیشمندان اسلامی معتقدند که موضوع‌های مطرح شده در این کتاب، ترسیم‌کننده مسائلی است که بشریت می‌تواند با بهره‌گیری از آنها، به حل معضله‌های فرهنگی و اجتماعی جوامع انسانی پرداخته و در علوم مختلف پیشرفت نماید. البته این مطلب نیازمند دو گام اساسی است: ابتدا بهره‌گیری از دانش‌های متعدد برای فهم زبان و فهم محتوای قرآن کریم، و سپس استفاده از روش‌های پژوهش مناسب جهت کشف و شناسایی دقیق و نظام‌مند مضامین و موضوع‌های مطرح در این کتاب و ترسیم جایگاه آنها در بستر فرهنگ اسلامی. البته این دو گام اساسی خود شامل اقدام‌های متعدد دیگری بوده و نیازمندی‌های دیگری را نیز می‌طلبد که از موضوع بحث این مقاله خارج است (ر.ک: پاکتچی، ۱۳۹۲، صص. ۱۲-۱۴).

هدف اصلی این مقاله، طرح بحثی درخصوص گام دوم یعنی استفاده از روش‌های پژوهش مناسب برای فهم ساختار موضوع‌های قرآنی است. به‌همین جهت در این مقاله تلاش شده است تا با معرفی یکی از بهترین روش‌های پژوهش میان‌رشته‌ای و متن‌محور به نام روش «تحلیل مضمون»، کاربرست استفاده از این روش جهت ترسیم شبکه مضامین موضوع‌های پراکنده قرآنی و فهم ارتباط آنها با همدیگر در بستر فرهنگ اسلامی و چگونگی هویت‌یابی آنها در جامعه اسلامی را بیان نماییم.

به‌منظور تبیین کاربرست این روش در قرآن کریم، مطالعه موردی بر روی سوره مبارکه انبیاء انجام شده است چراکه در این سوره داستان‌هایی از زندگی برخی پیامبران الهی آن‌هم از زوایای مختلفی مطرح‌شده و اکثر مفسران قرآن کریم در طول تاریخ در تبیین این مطلب که چرا در این سوره شریفه، داستان برخی پیامبران، آن‌هم فقط بخش خاصی از زندگانی ایشان - و نه سرگذشت کامل آنها - نقل شده، اختلاف نظر داشته‌اند. به‌عبارت‌دیگر وجه تمایز این سوره از دیگر سوره‌های قرآن کریم آن است که از میان تعداد بسیار زیاد پیامبران الهی، فقط نام ۱۶ پیامبر را آورده و تنها بخشی از داستان زندگی آنها را روایت کرده است. این درحالی‌است که بررسی اجمالی سوره انبیاء نشان

می‌دهد که موضوع‌های بسیاری در حوزه‌های اعتقادی، اخلاقی، تربیتی و اجتماعی در آن مطرح شده و تقریباً تمامی اصول دین در آیات این سوره معرفی شده است. برخی از مفسران و تحلیل‌گران آیات قرآنی، موضوع اصلی این سوره را همچون بسیاری از سوره‌های مکی، مسائلی پیرامون مثلث توحید، نبوت و آخرت دانسته با این تفاوت که در این سوره، معاد محور بحث قرار گرفته و توحید و نبوت به‌عنوان زیربنا و هدف آن مطرح شده است (بازرگان، ۱۳۷۵، ج ۱، صص. ۳۷۶-۳۷۷). درحالی‌که برخی دیگر معتقدند «هدف این سوره گفتگو پیرامون مسئله نبوت است که مسئله توحید و معاد را اساس و زیربنای آن قرار می‌دهد» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، صص. ۳۴۱-۳۴۲). درعین حال برخی دیگر از مفسران قرآن کریم، اغراض دیگری مانند دلگرم کردن پیامبر اکرم جهت تحمل سختی‌های مسیر ابلاغ رسالت با آگاه شدن از سرگذشت دیگر پیامبران الهی (طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۸، ص. ۲۷) و نیز هشدار و انذار کافران و مشرکان جهت پرهیز از اذیت و آزار پیامبر اکرم و مسلمانان را نیز به‌عنوان غرض و هدف اصلی سوره بیان کرده‌اند (فخر رازی، ۱۳۷۳ق، ج ۱۶، ص. ۸۱).

براین‌اساس هدف این پژوهش آن است که با استفاده از روش تحلیل مضمون، به تحلیل موضوع‌ها و مسائل پراکنده در سوره مبارکه انبیاء پرداخته و ضمن ترسیم شبکه مضامین موضوع‌های به‌ظاهر پراکنده آن، محتوا و غرض اصلی این سوره را تبیین نماید. ترسیم الگوی شبکه مضامین یک سوره می‌تواند جایگاه آن مباحث را در بستر فرهنگ اسلامی تبیین‌نموده و چگونگی هویت‌یابی آنها در حوزه‌های مختلف فرهنگی و اجتماعی جامعه اسلامی را نشان دهد. در این راستا، ابتدا به معرفی روش تحلیل مضمون و فنون مرتبط با آن پرداخته‌شده و سپس فرایند گام‌به‌گام این روش جهت فهم نصوص دینی را اجرانموده و در نهایت با درج جداول مضامین پایه، چگونگی دستیابی به مضامین سازمان‌دهنده و فراگیر به‌عنوان غرض اصلی سوره را توضیح خواهیم داد. در پایان نیز شبکه مضامین سوره با نگاهی متفاوت به مسئله ساختار هندسی سور قرآنی استخراج شده تا جایگاه موضوع‌های پراکنده قرآنی در بستر فرهنگ جامعه اسلامی را نشان دهیم.

لازم به‌ذکر است که اگرچه پژوهش‌های مختلفی هم در رابطه با سوره مبارکه انبیاء (ر.ک: احمدی‌کیا، ۱۳۹۴) و هم برای معرفی روش تحلیل مضمون (ر.ک: عابدی

جعفری، و دیگران، ۱۳۹۰) صورت گرفته و آثار متعددی در این زمینه منتشر شده است (عترت دوست؛ نصیری و غیائی، ۱۳۹۸، صص. ۱۵۹-۱۸۷)، ولیکن باید گفت که وجه نوآوری پژوهش حاضر، اجرای این روش بر روی نصوص دینی و بومی‌سازی مراحل آن جهت فهم دقیق موضوع‌های قرآنی با نگاه به جایگاه فرهنگی و اجتماعی آنها در جامعه اسلامی می‌باشد. به عبارت دیگر، هدف اصلی این پژوهش تفسیر سوره انبیاء یا معرفی روش تحلیل مضمون به‌تنهایی نبوده، بلکه سعی دارد کاربست اجرای این روش را بر روی یکی از سوره‌های قرآن کریم به‌منظور ترسیم شبکه مضامین آن با نگاهی فرهنگی و اجتماعی جهت فهم چگونگی هویت‌یابی موضوع‌ها و مسائل قرآنی در نظام معارف اسلامی ترسیم کند.

۱. معرفی روش پژوهش

پژوهش کیفی از سلسله روش‌های شاخصی استفاده نمی‌کند که صرفاً متعلق به رویکرد خاص و نظریه و یا پارادایم واحدی باشند (اووه، ۱۳۸۷، ص. ۱۸). پژوهشگران کیفی از انواع تحلیل‌ها؛ تحلیل محتوا، تحلیل گفتمان، تحلیل مضمون و غیره و همچنین از بررسی موارد دیداری و شنیداری استفاده می‌کنند. یکی از روش‌های ساده و کارآمد تحلیل کیفی، تحلیل مضمون است (عابدی جعفری و دیگران، ۱۳۹۰، ص. ۱۵۲). فرایند کامل تحلیل مضمون را می‌توان به سه مرحله کلان تقسیم کرد: الف) مشاهده و شکستن و کاهش متن؛ ب) بررسی و کاوش متن و ج) ادغام و یکپارچه‌سازی بررسی‌ها و کاوش‌ها (شیخ‌زاده، ۱۳۹۰، ج ۱، ص. ۹).

تحلیل مضمون، روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش، فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند (Braun & Clarke, 2006, p. 80). به عبارت دیگر تحلیل مضمون راهبردی برای تقلیل و تحلیل داده‌هاست و به‌وسیله آن داده‌های کیفی، تقسیم‌بندی، طبقه‌بندی، تلخیص و بازسازی می‌شوند (Given, 2008, p. 867).

در تحلیل مضمون می‌توان از روش‌های مختلف برای به‌دست آوردن محور داده‌ها استفاده کرد. این روش‌ها به‌مثابه ابزار تحلیل مضمون، کمک زیادی به کشف تناسب و

ارتباط داده‌ها می‌کند. قالب مضامین که داده‌ها را به صورت درختی و سلسله‌مراتبی نشان می‌دهد. ویژگی کلیدی این روش، سازمان‌دهی سلسله‌مراتبی مضامین و گروه‌بندی مضامین سطوح پایین‌تر در قالب خوشه‌ها و ایجاد مضامین سطح بالاتر از آنهاست. پژوهشگر می‌تواند جهت سازمان‌دهی مضامین شناخته، از چهار یا پنج سطح استفاده کند (عابدی جعفری و دیگران، ۱۳۹۰، ص. ۱۶۶). ماتریس مضامین دومین ابزار روش تحلیل مضامین است از ماتریس مضامین جهت مقایسه مضامین با یکدیگر و یا مقایسه مضامین در منابع داده‌ها به کار گرفته می‌شود. ماتریس، شامل تقاطع ردیف‌ها و ستون‌ها است و در آن، ترکیبی از دو فهرست به صورت جدول توافقی، ارائه می‌شود. می‌توان ماتریس‌های مختلف با ترکیب‌های متفاوتی، ایجاد کرد (شیخ‌زاده و بنی‌اسد، ۱۳۹۹، ص. ۱۷۷).

از دیگر ابزار تحلیل مضمون شبکه مضامین است. این روش به کمک سطوح مختلف مضامین به صورت شبکه تارنما ترسیم می‌شود. با این روش، مضامین به صورت منسجم و نظام‌مند در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند (عابدی جعفری و دیگران، ۱۳۹۹، ص. ۱۷۰). در این روش، مضامین به سه گروه مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر تقسیم می‌شوند. مضامین پایه همان کدها و نکات کلیدی موجود در متن هستند و مضامین سازمان‌دهنده مضامینی‌اند که از ترکیب و تلخیص مضامین پایه به دست می‌آیند. مضامین فراگیر نیز همان مضامین عالی داده‌ها هستند و اصول حاکم بر متن را به عنوان یک کل نشان می‌دهند (شیخ‌زاده، ۱۳۹۱، ص. ۱۵). تقریباً همه رویکردهای تحلیل مضمون با نرم‌افزارهای رایانه‌ای پژوهش کیفی انجام می‌شوند.

برخی از نرم‌افزارهایی که می‌توان از تحلیل داده‌های کیفی به‌ویژه تحلیل مضمون را به کمک آنها انجام داد عبارت‌اند از: ATLAS.st, NVivo, weft QDA, MAXQDA, Quarlus, Kwalitan, CAITA. در بین این نرم‌افزارها نرم‌افزار MAXQDA، بیشتر مورد استفاده پژوهشگران قرار گرفته‌اند (شیخ‌زاده، ۱۳۹۹، ص. ۲۰۱). این نرم‌افزارها سبب بالارفتن سرعت در انجام کارهای مدیریت، جست‌وجو و نمایش داده‌ها و موارد مربوط به آنها مانند کدها یا یادداشت‌ها می‌شود و از طرفی استفاده از نرم‌افزارها نه تنها در تحلیل مضمون، بلکه در همه روش‌های کیفی، سبب بالارفتن اعتبار پژوهش می‌شود؛ زیرا شفافیت فرایند پژوهش افزایش می‌یابد (اووه،

۱۳۸۷، ص. ۳۸۳). لازم به ذکر است که در این پژوهش، اطلاعات اولیه شامل آیات سوره و نظرهای مفسران پیرامون هر آیه ابتدا در نرم‌افزار MAXQDA وارد شده و سپس جهت دسته‌بندی و ترسیم شبکه مضامین، به نرم‌افزار Excel منتقل شده و در نهایت تحلیل‌های متنی در محیط نرم‌افزار Word به آنها اضافه شده است.

۲. فرایند اجرای روش تحلیل مضمون

۲-۱. گام اول: تجزیه متن و استخراج مضامین پایه

به منظور اجرای روش تحلیل مضمون، در گام اول لازم است به تجزیه متن پرداخته و جملات با ملاک واحد و مشخصی در جدول مربوطه، تقطیع شوند. این مرحله شامل سه بخش آشنا شدن با متن، نگارش مضامین اولیه و کدگذاری مضامین می‌باشد. مطالعه دقیق و مکرر سوره مبارکه انبیاء نشان داد که هر کدام از آیات آن شامل چندین مضمون پایه و مهم بوده‌اند که در نتیجه مطالعه متن با رویکرد تحلیلی، تعداد ۲۶۳ مضمون پایه به دست آمد. برای دستیابی به مضامین پایه، ابتدا آیات، معانی و تفاسیر آیات سوره انبیاء را چندین بار مورد مطالعه قرار داده و سپس آنچه را که برداشت کردیم، در جدولی مانند نمونه ذیل وارد می‌کنیم. برای هر آیه یک یا چند مضمون پایه با توجه به معانی و تفاسیر آیات نوشته می‌شود که در واقع کدها و یا همان داده‌های اولیه (مضامین پایه) را تشکیل می‌دهند.

لازم به ذکر است که شناخت مضمون، از مهم‌ترین مراحل تحلیل مضمون بوده چراکه مراحل بعدی بر پایه آن انجام می‌شود و جهت‌گیری‌ها و سؤال‌های پژوهش، شعور متعارف، ارزش‌ها و تجربه پژوهشگر پیرامون مسئله پژوهش، در نحوه شناخت مضامین، تأثیر می‌گذارد. همچنین باید توجه داشت که انتخاب مضمون، لزوماً تابع معیارهای کمی نیست؛ بلکه به این مطلب بستگی دارد که چقدر به نکته مهمی درباره سؤال‌های پژوهش می‌پردازد. در واقع مقدار داده‌های مورد نیاز جهت پاسخ به مسئله پژوهش با توجه به ماهیت کیفی روش تحلیل مضمون ثابت و مشخص نیست. برای درک بهتر چگونگی استخراج مضامین، بخشی از جدول تحلیل به‌عنوان نمونه درج می‌شود:

(جهت مطالعه بیشتر ر.ک: زاهد، ۱۴۰۰، فصل دوم)

جدول (۱): نمونه جدول تحلیل مضمون آیات سوره انبیاء

ردیف	متن آیه	مضامین پایه
۱	اَقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَ هُمْ فِي غَفْلَةٍ مُّعْرِضُونَ	۱- نزدیک شدن حساب قیامت به مردم
		۲- غفلت و رویگردانی مردم از حساب قیامت
		۳- هشدار به عموم مردم
۲	مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ ذِكْرٍ مِنْ رَبِّهِمْ مُحَدَّثٍ إِلَّا اسْتَمَعُوهُ وَ هُمْ يَلْعَبُونَ	۴- به بازی گرفتن ذکر و یادآوری خداوند
۳	لَا هَيْبَةَ قُلُوبِهِمْ وَ اسْرَوْا النَّجْوَى الَّذِينَ ظَلَمُوا هَلْ هَذَا إِلَّا بَشْرٌ مِثْلُكُمْ أَ فَتَأْتُونَ السَّحَرَ وَ أَنْتُمْ تُبْصِرُونَ	۵- فرو رفتن دل‌های مردم در غفلت و بی‌خبری
		۶- توطئه علیه پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)
		۷- ایراد به بشر بودن پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و ساحر خواندن وی
۴	قَالَ رَبِّي يَعْلَمُ الْقَوْلَ فِي السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ	۸- خداوند از سخنان پنهانی کافران آگاه است
		۹- خداوند شنوا و داناست
۵	بَلْ قَالُوا أَضْغَاتٌ أْخْلَامُ بَلْ افْتَرَاهُ بَلْ هُوَ شَاعِرٌ فَلْيَأْتِنَا بِآيَةٍ كَمَا أُرْسِلَ الْأَوْلُونَ	۱۰- تهمت خواب‌آشفته و دروغگو بودن به
		۱۱- تهمت شاعری به پیامبر
		۱۲- درخواست کافران از پیامبر به آوردن معجزه‌ای همانند پیامبران گذشته

۲-۲. گام دوم؛ تشریح متن و شناسایی مضامین سازمان‌دهنده

در مرحله دوم پژوهش لازم است به تشریح متن و شناسایی مضامین سازمان‌دهنده پرداخت، اما پیش از شروع این مرحله، ابتدا لازم است «پایایی» و «روایی»^۲ پژوهش اثبات و تأیید شود. بدین‌منظور دو اقدام ضروری می‌بایست انجام شد که عبارت‌اند از: الف) تأیید پایایی پژوهش توسط شخص محقق، ب) تأیید روایی پژوهش توسط متخصصان دیگر.

بنابراین پیش از شروع مرحله دوم، ابتدا محقق تلاش نمود تا در یک فاصله زمانی متأخر، مجدداً کل متن دعا را تحلیل و کدگذاری کرده و نتایج دو جدول را با همدیگر مقایسه نماید. همپوشانی نسبتاً بالای نتایج کدگذاری نشان‌دهنده «پایایی» پژوهش

1. Validity
2. Reliability

صورت گرفته است. در اقدام دوم نیز از دو نفر همکار متخصص در حوزه روش تحلیل مضمون و آشنا به نصوص دینی خواسته شد تا متن مذکور را تحلیل نمایند. همپوشانی بالای نتایج این بخش نیز مسئله «روایی» پژوهش را تأیید و اثبات می‌نماید. پس از تأیید پایایی و روایی نتایج اولیه پژوهش، در مرحله دوم از فرایند اجرای روش تحلیل مضمون، به تشریح متن و شناسایی مضامین سازمان‌دهنده پرداخته می‌شود. دسته‌بندی‌های مشخص و منطقی صورت گرفته از مضامین پایه، نشان می‌دهد که مجموعه این مضامین در قالب ۲۲ مضمون سازمان‌دهنده قابل تقسیم و تفکیک هستند. این مضامین عبارت‌اند از:

- ۱- دلایل انکار توحید
- ۲- صفات خداوند
- ۳- دلایل الوهیت خداوند
- ۴- اتمام حجت خداوند با کافران
- ۵- موضع‌گیری‌ها و بهانه‌جویی‌ها مشرکان علیه پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)
- ۶- بی‌توجهی به انذار پیامبران و عاقبت انذارشوندگان
- ۷- اهداف مشترک پیامبران
- ۸- معجزه و رحمت عامه پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)
- ۹- داستان حضرت ابراهیم (علیه‌السلام)
- ۱۰- داستان حضرت موسی (علیه‌السلام) و هارون (علیه‌السلام)
- ۱۱- داستان حضرت لوط (علیه‌السلام)
- ۱۲- داستان حضرت نوح (علیه‌السلام)
- ۱۳- داستان حضرت داود (علیه‌السلام) و سلیمان (علیه‌السلام)
- ۱۴- داستان حضرت ایوب (علیه‌السلام)
- ۱۵- داستان حضرت یونس (علیه‌السلام)
- ۱۶- داستان حضرت زکریا (علیه‌السلام) و یحیی (علیه‌السلام)
- ۱۷- داستان حضرت مریم (سلام‌الله‌علیها) و فرزندش مسیح (علیه‌السلام)
- ۱۸- نصرت و یاری پیامبران و همراهانشان
- ۱۹- اشاره به معاد و توصیف قیامت

۲۰- شرح حال و مجازات‌های کافران و معبودهایشان هنگام قیامت

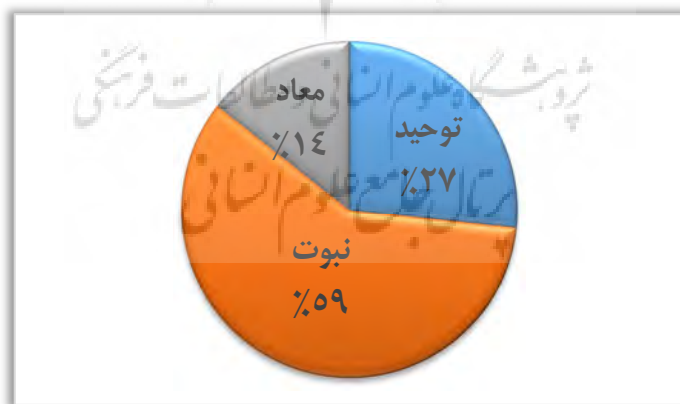
۲۱- غفلت از قیامت و هشدار به آن

۲۲- شرح حال پرهیزکاران هنگام قیامت

این مضامین سازمان‌دهنده، محور اصلی مضامین پایه بوده که از دسته‌بندی و طبقه‌بندی ۲۶۳ مضمون پایه استخراج شده است.

۲-۳. گام سوم؛ ترکیب متن و تحلیل مضامین فراگیر

مرحله سوم از فرایند اجرای روش تحلیل مضمون، ترکیب متن به واسطه طبقه‌بندی مضامین سازمان‌دهنده و دستیابی به مقوله‌هایی است که از آنها با عنوان مضامین فراگیر یاد می‌شود. بررسی‌های دقیق مؤلفان مقاله و تلاش برای طبقه‌بندی دقیق مضامین سازمان‌دهنده آیات سوره مبارکه انبیاء نشان داد که این مضامین را در نهایت می‌توان ذیل ۳ مضمون فراگیر با عنوان «توحید»، «نبوت» و «معاد» طبقه‌بندی کرد که در نمودار ذیل سنجش فراوانی آنها به صورت درصدی نشان داده شده است. نمودار ذیل نشان می‌دهد که ۵۹ درصد از آیات سوره در رابطه با مسئله نبوت پیامبران الهی بوده و شاید به همین دلیل نام این سوره «انبیاء» گذارده شده است. درعین حال به مسائل توحید و معاد نیز به عنوان مهم‌ترین موضوع‌هایی که انبیاء الهی بدان‌ها می‌پرداخته‌اند، در این سوره توجه جدی شده است.



نمودار (۱): طبقه‌بندی مضامین سازمان‌دهنده آیات سوره مبارکه انبیاء

۳. تحلیل کیفی و توصیفی مضامین

پس از آنکه جدول نهایی تحلیل مضامین قطعی و مورد تأیید خبرگان قرار گرفت و روایی و پایایی آن تأیید و تثبیت شد، در ادامه می‌بایست به تحلیل کیفی و توصیفی مضامین پرداخت تا بتوان جایگاه هر کدام از مباحث را در نظام معارف اسلامی به‌خوبی تبیین کرد. همان‌گونه که بیان شد از تحلیل مضامین آیات سوره مبارکه انبیاء، در مجموع ۲۶۳ مضمون پایه، ۲۲ مضمون سازمان‌دهنده و ۳ مضمون فراگیر یا مقوله کلی استخراج شد که در این بخش، به تحلیل کیفی و توصیفی مضامین فراگیر شامل توحید، نبوت و معاد پرداخته می‌شود. قبل از شروع این بخش لازم به تذکر است که در این مقاله قصد تبیین کامل و دقیق هر کدام از این سه مقوله کلی را نداشته و صرفاً می‌خواهیم نگاهی اجمالی به مباحث مختلف مطرح‌شده در سوره مبارکه انبیاء داشته باشیم. بدیهی است که تفصیل و تبیین هر کدام از این مباحث به‌صورت مستقل، پژوهش‌های مستقلی را می‌طلبد (ر.ک: زاهد، ۱۴۰۰) و خارج از حیطه موضوعی این مقاله است.

۳-۱. تحلیل مقوله «توحید»

یکی از مضامین اصلی در سوره مبارکه انبیاء، توحید است چراکه یکی از مهم‌ترین اهداف پیامبران، آشنا کردن مردم با اصل توحید و ابعاد آن است. بحث توحید در سوره مبارکه انبیاء با زیرشاخه‌های ذیل مطرح شده است:

۳-۱-۱. دلایل انکار توحید

دلایل انکار توحید در سوره انبیاء، اعراض و رویگردانی از ذکر خداوند و غفلت از یاد او، اعراض از آیات و نشانه‌های خداوند و ناشنوا بودن گوش‌های کافران به هنگام انذار بیان شده است. در سوره انبیاء غفلت و رویگردانی مردم گاهی از حساب قیامت هست، که در بخش معاد به آن اشاره خواهیم کرد و گاهی اعراض آنها از ذکر حق و آیات و نشانه‌های خداوند است که در بحث توحید مطرح می‌شود. در این سوره از همان ابتدا از غفلت و اعراض مردم از حساب سخن گفته است که این اعراض و غفلت آنها از ذکر، که همان کتب الهی است، به خاطر تمایل و وابستگی آنها به دنیا و مادی‌گرایی است؛ به‌عنوان نمونه در آیه ۳۲ سوره انبیاء می‌فرماید: «وَجَعَلْنَا السَّمَاءَ سَقْفًا مَحْفُوظًا وَ

هُمُ عَنْ آيَاتِهَا مُعْرِضُونَ» که به‌برخی از این نشانه‌ها از جمله: آسمان به‌عنوان سقفی برای ایمنی مردم و زمین... اشاره شده است. کافران با وجود اینکه همه حقایق را می‌دانند و نیز می‌دانند رویگردانشان موجب عذابشان می‌شود، ولی بازهم به‌هنگام انذار، گویی ناشنوا هستند، لذا در آیه ۴۵ می‌فرماید: «وَلَا يَسْمَعُ الصَّمُّ الدُّعَاءَ إِذَا مَا يُنذَرُونَ».

۳-۱-۲. صفات خداوند

یکی از راه‌های شناخت انسان از خداوند، شناخت صفات الهی است؛ لذا قرآن کریم در آیات متعددی از اوصاف الهی سخن می‌گوید. بسیاری از آیات سوره انبیاء، به برخی از صفات خداوند از جمله: شنوا و دانا، آگاه به نهران و آشکار، عدالت، حسابرسی دقیق، وفای به‌وعده و... اشاره دارد. تحلیل برخی از این صفات بدین شرح است:

الف. علم الهی

در سوره انبیاء در چندین آیه به این صفت خداوند اشاره شده است. در آیات ابتدایی سوره انبیاء بیان شده کافران درگوشی با هم نجوا می‌کنند و به‌طور پنهانی علیه پیامبر توطئه می‌کنند و خیال می‌کنند که کسی از آن آگاه نمی‌شود. سپس می‌فرماید: «قَالَ رَبِّي يَعْلَمُ الْقَوْلَ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ؛ خداوند از سخنان پنهانی کافران آگاه است و خداوند شنوا و داناست» (انبیاء / آیه ۴). نیز می‌فرماید: «يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ» (انبیاء / آیه ۲۸) که به آگاهی خداوند از اعمال فرشتگان اشاره دارد. همچنین می‌فرماید: «إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ مِنَ الْقَوْلِ وَيَعْلَمُ مَا تَكْتُمُونَ» (انبیاء / آیه ۱۱۰) که به علم و آگاهی خداوند از نهران و آشکار اشاره دارد.

ب. عدل الهی

عدالت خداوند می‌تواند مصادیق بسیاری داشته باشد. در آیه ۴۷ سوره انبیاء می‌فرماید: «وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَى بِنَا حَاسِبِينَ؛ ترازوهای دقیق سنجش خداوند در قیامت برپا می‌شود و به هیچ‌کس کمترین ظلمی نمی‌شود و...»، که این موضوع به عدالت خداوند اشاره دارد. در آیه ۱۱۲ نیز به عدالت خداوند در داوری اشاره دارد: «قَالَ رَبِّ احْكُم بِالْحَقِّ...».

۳-۱-۳. دلایل الوهیت خداوند

یکی از مباحث توحیدی در سوره انبیاء که بسیار به آن پرداخته شده، مبحث دلایل معبودیت یا الوهیت خداوند است. لازم به ذکر است که اصل کلمه «اله» به معنای «پرستیدنی» یا «شایسته عبادت و اطاعت» است و طبق این معنی «الله» بودن یعنی موجودی که شایستگی و شأنیت مورد پرستش واقع شدن را داشته باشد (فضلی، ۱۹۸۸م، ص. ۸۱). به عبارت دیگر، الله صفتی است که برای انتزاع آن باید اضافه عبادت و اطاعت بندگان را نیز در نظر گرفت و اگرچه برخی گمراهان، معبودهای باطلی را برای خودشان برگزیده و آنها را الله خود می‌دانند، اما کسی که شایستگی عبادت و اطاعت واقعی و حقیقی را دارد، همان کسی است که خالق و رب ایشان نیز می‌باشد. این مطلب، حد نصاب اعتقادی است که هر کسی می‌بایست درباره خدای متعال داشته باشد یعنی علاوه بر اینکه خدا را به عنوان واجب‌الوجود و آفریدگار و رب و صاحب اختیار جهان می‌شناسد، باید او را شایسته عبادت و اطاعت نیز بداند و به همین جهت، این مفهوم در شعار اسلام با عبارت «لا اله الا الله» ثبت شده است (مصباح یزدی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص. ۸۵).

به منظور تبیین مفهوم معبودیت خدای متعال لازم است مجموعه دلایل و قرائن آن را نیز بیان کرد. در سوره مبارکه انبیاء چهار دلیل برای الله بودن حقیقی خداوند متعال بیان شده است که عبارت‌اند از:

الف. هدف‌دار بودن آفرینش و حکیمانه بودن نظام جهان

یکی از دلایل الوهیت خداوند، هدف‌دار بودن آفرینش و حکیمانه بودن نظام جهان یا به عبارت دیگر نفی بیهودگی و بی‌هدفی عالم است. از نشانه‌های خداوند در جهان می‌توان فهمید که این آفرینش بیهوده نیست و هیچ ایراد و اشکالی بر نظام حکیمانه جهان وارد نیست. در آیه ۱۶ سوره انبیاء می‌فرماید: «وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِيبِينَ» که به هدف‌دار بودن این جهان اشاره دارد. و در آیه ۱۷ می‌فرماید: «لَوْ أَرَدْنَا أَنْ نَتَّخِذَ لَهُمْ آتِخَذُنَاهُ مِنْ لَدُنَّا إِنْ كُنَّا فَاعِلِينَ» که این جهان از روی سرگرمی و لهو و لعب آفریده نشده بلکه هدف‌دار است و محال است که هدف خداوند سرگرمی به امر خلقت باشد چراکه سرگرمی مناسب ذات خداوند نیست. در آیه ۲۳ نیز می‌فرماید:

«لَا يُسْتَلُّ عَمَّا يَفْعَلُ وَ هُمْ يُسْتَلُونَ» که هیچ ایراد و اشکالی بر خداوند و در نظام حکیمانه این جهان وجود ندارد، حال آنکه در افعال دیگران جای ایراد و اشکال بسیار است.

ب. بی نیازی مطلق خداوند

یکی دیگر از دلایل الوهیت خداوند، برخی از صفات خاص او مانند بی‌نیازی مطلق خداوند، فرزند نداشتن و بی‌نیازی او از اختیار کردن فرزندی برای خود است. به‌عنوان مثال در این سوره بیان شده که مشرکان، فرشتگان را فرزند خداوند می‌خواندند. خداوند با بیان برخی از اوصاف فرشتگان از جمله اینکه آنها بندگان خدا هستند و فرمانبردار اویند، نشان می‌دهد که آنها فرزند او نیستند، بلکه بنده او هستند. حتی خداوند پس از بیان ویژگی‌های آنان، با آنها اتمام حجت می‌کند که اگر بر فرض آنها ادعای خدایی کنند، خداوند آنها را و هر کس را که ادعای خدایی کند کیفر خواهد کرد.

یکی دیگر از دلایل الوهیت خداوند، بی‌نیاز بودن خداوند از اختیار فرزندی برای خود بیان شده است، آنجا که می‌فرماید: «وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ؛ مشرکان فرشتگان را فرزند خدا می‌خواندند درحالی‌که خداوند منزّه از داشتن فرزند است» (انبیاء / آیه ۲۶). از این رو در آیات ۱۹ و ۲۰ و ۲۶ تا ۲۹ این سوره خداوند با بیان اوصاف فرشتگان (شش صفت) که آنها بندگان گرامی خدا هستند و فقط از او فرمانبردارند و... نفی فرزند بودن آنها را بیان می‌کند، که این مسئله به غنی ذاتی بودن خداوند و بی‌نیازی او در اختیار کردن فرزندی برای خود و الوهیت خداوند اشاره دارد.

ج. ناتوانی خدایان ساختگی کافران

یکی دیگر از دلایل الوهیت خداوند، ناتوانی خدایان ساختگی کافران می‌باشد. چراکه خدایان ساختگی آنها نه قدرت خلق کردن دارند و نه قدرت دفاع از آنها را، درحالی‌که فقط این خداوند است که قدرت خلق کردن و دفاع از بندگان خودش را داراست. از آیه ۲۱ سوره انبیاء «أَمْ اتَّخَذُوا آلِهَةً مِنَ الْأَرْضِ هُمْ يُنشِرُونَ» می‌توان چنین برداشت کرد که این خداوند است که صاحب قدرت آفرینش است. درحالی‌که خدایان زمینی کافران، نه قدرت خلق کردن دارند و نه برایشان سود و نه زبانی دارند و نه قادر به دفاع از آنها هستند. آیات ۴۲ و ۴۳ انبیاء هم به این مسئله اشاره دارد.

د. نفی تعدد خدایان

یکی دیگر از دلایل الوهیت خداوند، اشکال‌های مترتب بر تعدد خدایان است چراکه با بودن چندین معبود، نظم جهان برهم می‌خورد، همان‌طور که دو پادشاه در یک اقلیم نمی‌گنجند. در آیه ۲۲ می‌فرماید: «لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ» که به برهم خوردن نظم جهان در صورت بودن چندین معبود، اشاره شده است. که خداوند از این توصیف کافران منزّه است. در آیه ۲۹ سوره زمر مثال آن، برای یک شخص زده شده، حال اگر جهان دارای چند معبود باشد چه خواهد شد. «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلًا فِيهِ شُرَكَاءُ مُتَشَاكِسُونَ وَ رَجُلًا سَلَمًا لِرَجُلٍ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ» (زمر / آیه ۲۹). خدا مثلی زده است: مردی است که چند خواجه ناسازگار در مالکیت او شرکت دارند و هر یک او را به‌کاری می‌گمارند و مردی است که تنها فرمانبر یک مرد است. آیا این دو در مثل یکسانند؟ سپاس خدای را. نه، بلکه بیشترشان نمی‌دانند.

به‌عنوان مؤید این بحث باید به آیات ۴۲ و ۴۳ سوره زمر اشاره کرد که خداوند متعال می‌فرماید: اگر چنین بود و خدایان دیگری هم بودند، آن خدایان هم به‌سوی خود خداوند می‌آمدند و تسبیح او را می‌گفتند: «اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تُمُتْ فِي مَنَامِهَا فِيمِمْسِكِ الَّتِي قَضَىٰ عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ الْأَخْرَىٰ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» * أم اتخذوا من دون الله شفعاء قل أ ولو كانوا لا يملكون شيئاً ولا يعقلون؛ بگو: اگر - چنان‌که می‌گویند - با او خدایانی دیگر بود، در آن صورت حتماً در صدد جستن راهی به‌سوی خداوند، صاحب عرش، برمی‌آمدند. او پاک و منزّه است و از آنچه می‌گویند بسی والاتر است» (زمر / آیات ۴۲ و ۴۳).

۳-۱-۴. اتمام حجت خداوند با کافران

یکی از وظایف اصلی پیامبران، انذار است تا پس از انذار، دیگر اتمام حجت بر مردم تمام شود. در سوره نساء خداوند می‌فرماید: «رُسُلًا مُّبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا؛ پیامبرانی که بشارت‌گر و هشداردهنده بودند، تا برای مردم، پس از فرستادن پیامبران، در مقابل خدا بهانه و حجّتی نباشد، و

خدا توانا و حکیم است» (نساء / آیه ۱۶۵). خداوند در آیه ۴۵ انبیاء هم به پیامبر می‌فرماید: «قُلْ إِنَّمَا أُنذِرُكُم بِالْوَحْيِ؛ بگو آنچه که من شما را به آن انداز می‌دهم به من وحی می‌شود و من از خودم چیزی نمی‌گویم».

در سوره انبیاء می‌فرماید، بعد از اینکه پیامبران مردم را انداز کردند و حجت را بر آنها تمام کردند، گروهی در برابر این اندازها ناشنوا هستند، که خداوند آنها را مورد امتحان و آزمایش قرار می‌دهد. آیه ۴۴ و ۴۵ سوره انبیاء به موضوع اتمام حجت خداوند اشاره دارد که خداوند برای اتمام حجت با کافران آنها و پدرانشان را از انواع نعمت‌ها و طول عمر بهره‌مند می‌کند. سپس با مرگ قبایل بزرگ به آنها نشان می‌دهد که آنچه به آنها داده همیشگی نیست. و با این کار به آنها هشدار می‌دهد که این خداوند است که همیشه پیروز است. سپس در آیه ۱۰۹ انبیاء می‌فرماید: «فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ آذَنْتُكُمْ عَلَىٰ سَوَاءٍ...»؛ مردم از دعوت روی گردانند و به این اندازها گوش نمی‌دهند و پیامبر برای آنها اعلام خطر می‌کند و سنت امتحان برای آزمودن آنها جاری می‌شود. در آیه ۱۱۱ انبیاء خداوند می‌فرماید: «وَإِنْ أَدْرَىٰ لَعَلَّهُ فِتْنَةٌ لَّكُمْ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ»؛ نیامدن عذاب تا مدت معینی برای آزمودن شماست و خداوند در آوردن عذاب عجله نمی‌کند و به آنها مهلت می‌دهد.

۲-۳. تحلیل مقوله «معاد»

معاد، از اصول دین اسلام به معنای بازگرداندن انسان پس از مرگ در روز قیامت است. بنابر این اصل، همه انسان‌ها در روز قیامت دوباره زنده می‌شوند و اعمال آنها در پیشگاه الهی سنجیده می‌شود و به کیفر یا پاداش درستکاری یا بدکاری خود می‌رسند. معاد در دین اسلام، اهمیت بسیاری دارد و لذا حدود یک سوم آیات قرآن کریم، درباره معاد و مسائل پیرامونی آن است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص. ۲۵). اعتقاد به این اصل، نقشی مهم در چگونگی رفتار مسلمانان و تمایل آنان به نیکوکاری و یا دوری از گناه دارد. نیکوکاران به بهشت و نعمت‌های جاودان و گناهکاران به کیفر و عذاب خود می‌رسند. در سوره مبارکه انبیاء در کنار بحث توحید و نبوت، بحث معاد نیز مطرح شده است و در مورد غفلت مردم از قیامت و حوادث مربوط به زمان وقوع قیامت، حسابرسی دقیق خداوند در قیامت و شرح حال پرهیزکاران و کافران و معبودهایشان در

قیامت صحبت شده است. آیات ۳۵ و ۹۳ سوره انبیاء به موضوع معاد و بازگشت به سوی خدا اشاره دارد. «كُلُّ إِلَيْنَا رَاجِعُونَ» و «اللَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ» خداست که آفرینش را آغاز و سپس آن را تجدید می‌کند، آنگاه به سوی او بازگردانیده می‌شود. مبحث معاد در سوره مبارکه انبیاء با زیرشاخه‌های ذیل بیان شده است:

۳-۲-۱. غفلت از قیامت و هشدار نسبت به آن

در آیات ابتدایی و انتهایی سوره انبیاء به موضوع نزدیکی و حتمی بودن وقوع قیامت و غفلت مردم از آن و هشدار به نزدیک بودن آن پرداخته شده است. در آیه نخست سوره انبیاء می‌فرماید: «أَقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مُّعْرِضُونَ» که این غفلت و بی‌خبری حتی تا هنگام قیامت ادامه خواهد داشت. در آیه ۹۵ و ۹۶ می‌فرماید: «حَتَّىٰ إِذَا فُتِحَتْ يَأْجُوجُ وَمَأْجُوجُ وَهُمْ مِنْ كُلِّ حَدَبٍ يَنْسِلُونَ ﴿۹۶﴾ وَأَقْتَرَبَ الْوَعْدُ الْحَقُّ...»، که اشاره دارد به اینکه این غفلت تا زمان یأجوج و مأجوج ادامه دارد.

۳-۲-۲. اشاره به معاد و توصیف قیامت

برخی از آیات مربوط به معاد، در سوره انبیاء به حوادث و نشانه‌های وقوع قیامت اشاره دارد. همچنین به حسابرسی دقیق خداوند در قیامت اشاره شده است. آیات ذیل، نمونه‌هایی از این آیات است. در قرآن برای ظهور قیامت نشانه‌های بسیاری وجود دارد مانند: طلوع خورشید از مغرب، ظهور دود، دمیده شدن در صور، زلزله شدید، دگرگونی دریاها، درهم‌پیچیدن آسمان و... که در سوره انبیاء به درهم‌پیچیدن آسمان اشاره شده است: «يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السِّجْلِ لِلْكِتَابِ كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ وَعَدًّا عَلَيْنَا إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ» که در این آیه یکی از حالات آسمان بیان شده است.

همچنین در آیه ۱۰۴ انبیاء به بازگردانده شدن آسمان به حالت قبل اشاره دارد که خلقت دوباره برای خداوندی که نخستین بار آن را خلق کرده کاری ندارد. لازم به ذکر است که این مطلب در دیگر سوره‌های قرآن کریم نیز مورد تأیید قرار گرفته است: «أَفَعَيَّبْنَا بِالْخَلْقِ الْأَوَّلِ بَلْ هُمْ فِي لَبْسٍ مِنْ خَلْقٍ جَدِيدٍ؛ مگر از آفرینش نخستین خود به تنگ آمدیم؟ نه! که آنها از خلق جدید در شبهه‌اند» (ق / آیه ۱۵). در آیه ۴۵ سوره انبیاء مجدد از حسابرسی دقیق خداوند در قیامت سخن گفته شده که اگر به اندازه یک دانه

خردل خوبی و بدی کرده باشی حسابرسی می‌شود: «وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَىٰ بِنا حَاسِبِينَ».

۳-۲-۳. شرح حال کافران و معبودهایشان هنگام قیامت

در قیامت کافران به همراه معبودهایشان عذاب داده می‌شوند تا ناتوانی آنها را ببینند و متوجه شوند که آنها قادر نخواهند بود حتی برای خودشان کاری کنند، چه رسد برای آنها و این برایشان بسیار عذاب‌آورتر خواهد بود. در سوره انبیاء در آیات ۳۹ و ۴۰ «لَوْ يَعْلَمُ الَّذِينَ كَفَرُوا حِينَ لَا يَكْفُونَ عَنْ وُجُوهِمُ النَّارَ وَلَا عَنْ ظُهُورِهِمْ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ» * بَلْ تَأْتِيهِمْ بَغْتَةً فَتَبْهَتُهُمْ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ رَدَّهَا وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ» در مورد شرح حال کافران این‌گونه بیان شده است که: کافران از عذاب جهنم مبهوت‌شده و دچار حسرت می‌شوند و از خداوند مهلت می‌خواهند و خداوند هیچ مهلتی به آنها نمی‌دهد. در آیه ۹۸ تا ۱۰۰ می‌فرماید: «إِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ حَصَبُ جَهَنَّمَ أَنْتُمْ لَهَا وَارِدُونَ» * لَوْ كَانَ هُوَ لِآلِهَةٍ مَا وَرَدُوهَا وَكُلٌّ فِيهَا خَالِدُونَ» * لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَهُمْ فِيهَا لَا يَسْمَعُونَ؛ و آنها به همراه معبودهایشان وارد جهنم می‌شوند و شعله‌های آتش از هر سو آنها را احاطه می‌کند و کسی قدرت دفع آن را ندارد و ناله‌های آنها از هر سو بلند می‌شود، مشرکان و معبودهایشان خود هیزم جهنم می‌شوند و جاودانه در عذاب خواهند ماند».

۳-۲-۴. شرح حال پرهیزکاران هنگام قیامت

خداوند به مؤمنانی که متقی بوده و ترس از قیامت دارند، وعده دور بودن از آتش جهنم و جاودانگی بهشت و... می‌دهد و می‌دانیم که خداوند به وعده‌هایی که داده عمل خواهد کرد. در سوره انبیاء در آیه ۴۹ پرهیزکاران را بدین صورت معرفی می‌کند: «الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَهُمْ مِنَ السَّاعَةِ مُشْفِقُونَ». سپس در آیات ۱۰۱ تا ۱۰۳ به مؤمنان وعده‌هایی داده شده، از جمله وعده جاودانگی بهشت برای آنها و دور بودن آتش دوزخ از آنها و نیز اینکه آنها در قیامت اندوهگین نمی‌شوند و صدای آتش دوزخ را نمی‌شنوند و فرشتگان به استقبالشان می‌آیند و به آنها بشارت می‌دهند که این همان روزی است که به شما وعده داده شده بود و خداوند به وعده‌های داده شده عمل می‌کند.

۳-۳. تحلیل مقوله «نبوت»

در سوره انبیاء، همان‌طور که از نام سوره پیداست از مباحث بسیاری پیرامون مسئله نبوت صحبت شده است. در این سوره ابتدا از اهداف مشترک پیامبران که دعوت به پرستش خدای یکتاست صحبت شده. سپس موضع‌گیری‌های مشرکان علیه پیامبران الهی را بیان می‌کند که خداوند برای دلداری به پیامبر اکرم به همه آن ایرادها و بهانه‌جویی‌ها پاسخ می‌دهد و می‌فرماید که در همه امت‌ها این‌چنین بوده و همیشه افرادی بودند که از پیامبرشان بهانه‌جویی می‌کردند و این خداوند بوده که همیشه از پیامبران و همراهانشان و بندگان صالح خود حمایت کرده است.

در ادامه مباحث این سوره، قرآن کریم، به‌عنوان معجزه جاوید پیامبر اسلام و وسیله‌ای برای بیداری مردم معرفی شده که کانون خیر و برکت است و خداوند آن را برای انسان‌ها نازل کرده است. همچنین در سوره انبیاء، از رحمت عامه پیامبر اسلام سخن گفته شده که ایشان رحمتی برای همه عالمیان است و رحمت او شامل همه جهانیان می‌شود. سپس از عاقبت کسانی که انذارهای پیامبران را گوش نمی‌دهند می‌گوید که دچار عذاب الهی می‌شوند و در نهایت داستان‌های گروهی از پیامبران را بیان می‌کند که در همه آنها پیامبران مردم را دعوت به خداپرستی می‌کنند و مردم از آنها روی‌گردانند و همه پیامبران، خداوند را در گرفتاری‌ها می‌خوانند و خداوند همه آنها را از غم و گرفتاری نجات می‌دهد. از محتوای این مطالب و آیات مشخص می‌شود که خداوند متعال این مطالب را برای دلداری به پیامبر اکرم بیان می‌کند که در ادامه، به شرح مختصر این مباحث خواهیم پرداخت:

۳-۳-۱. معرفی اهداف مشترک پیامبران الهی

همه پیامبران دارای اهداف مشترکی بوده‌اند و تمام برنامه‌های آنها حول آن هدف مشترک که دعوت مردم به یکتاپرستی بوده است، می‌چرخد. در آیه ۹۲ سوره انبیاء به هدف مشترک پیامبران اشاره شده است: «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ» که دعوت به خداپرستی و نفی شرک و بت‌پرستی است که در همه امت‌ها مشترک بوده و انحراف انسان‌ها از این اصل واحد توحیدی و تکذیب آن، موجب عذاب آنها می‌شود پس لازم است که در برابر آن تسلیم شوند.

۳-۲. گزارش فرازهایی از سیره پیامبران الهی

بخش عمده‌ای از مباحث سوره انبیاء، همان‌طور که از نامش پیداست به مسئله نبوت و داستان‌های پیامبران اختصاص دارد و فرازهایی از حالات انبیاء و برنامه‌های آنها را بیان کرده است. در سوره مبارکه انبیاء به گوشه‌هایی از سرگذشت و مبارزات برخی از پیامبران اشاره شده است. همه پیامبران مردم را به یکتاپرستی دعوت می‌کنند و آنها را از پرستش خدایان ناتوان و ساختگی خودشان نهی می‌کنند، ولی همه اقوام از پرستش خدای یگانه رویگردان می‌شوند و خداوند همه آنها را دچار عذاب می‌کند و پیامبران و همراهانشان را یاری می‌کند و هنگامی که پیامبران در سختی‌ها خداوند را می‌خوانند خداوند آنها را اجابت می‌کند و آنها را از مواهب خود بهره‌مند می‌سازد و خداوند این‌گونه بندگان صالحش را وقتی او را بخوانند اجابت می‌کند.

این سوره چنان‌که از نامش پیدا است، سوره پیامبران است؛ زیرا که در آن نام ۱۶ پیامبر، بعضی با ذکر فرازهایی از حالاتشان و بعضی تنها به صورت اشاره در این سوره آمده است که عبارت‌اند از: موسی - هارون - ابراهیم - لوط - اسحاق - یعقوب - نوح - داود - سلیمان - ایوب - اسماعیل - ادريس - ذوالکفل - ذا النون (یونس) - زکریا و یحیی (علیهم‌السلام)؛ بنابراین تکیه بحث‌های مهم این سوره بر روی برنامه‌های انبیاء است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۳، ص. ۳۴۹). علاوه بر اینها پیامبران دیگری هستند که نامشان صریحاً در این سوره برده نشده ولی پیرامون آنها سخنی آمده است مانند پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و حضرت مسیح (علیه‌السلام).

۳-۳. گزارش بهانه‌جویی‌های مشرکان علیه پیامبران الهی

کفار در مبارزه با پیامبران الهی شیوه‌های گوناگونی را به‌کار می‌گرفتند. در سوره انبیاء چندین مورد مطرح شده است. سپس خداوند آنها را پاسخ داده و بدین طریق پیامبر اسلام را به‌خاطر رنج و اذیتی که از مزاحمت‌ها و اذیت‌های کفار می‌دید، دل‌داری داده است. برخی از این بهانه‌جویی‌ها و موضع‌گیری‌های نادرست و ناپسند، بدین شرح است:

الف. ایراد به بشر بودن پیامبر

یکی از بهانه‌های مشرکان برای نپذیرفتن رسالت انبیاء، بشر بودن آنها بوده است. در آیه

۳ آمده که کافران غافل، درگوشی با هم نجوا می‌کنند و علیه پیامبر اسلام توطئه می‌کنند و می‌گویند: «لَا هَيْبَةَ قُلُوبُهُمْ وَأَسْرُوا النَّجْوَى الَّذِينَ ظَلَمُوا هَلْ هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ أَفَتَأْتُونَ السَّحَرَ وَأَنْتُمْ تُبْصِرُونَ» مگر پیامبر بشری مثل شما نیست پس چرا دانسته به سمت سحر می‌روید. یعنی پیامبر را ساحر می‌خوانند.

خداوند در آیه ۷ و ۸ سوره انبیاء پاسخ می‌دهد: «وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ إِلَّا رِجَالًا نُّوحِي إِلَيْهِمْ فَسَلُّوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿۷﴾ وَمَا جَعَلْنَاهُمْ جَسَدًا لَا يَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَمَا كَانُوا خَالِدِينَ»؛ که همه پیامبران انسان و از جنس بشر بودند که غذا می‌خوردند و عمری جاودانه نداشتند و به همه آنها وحی می‌شد. در آیه ۳۵ انبیاء «وَمَا جَعَلْنَا لِبَشَرٍ مِنْ قَبْلِكَ الْخُلْدَ أَفَإِنْ مِتَّ فَهُمْ الْخَالِدُونَ» خداوند این‌گونه پاسخ می‌دهد: که برای هیچ بشری عمر جاودانه وجود ندارد و این قانون آفرینش است و خداوند با این سخن نشان می‌دهد که بقای دین مستلزم وجود آورنده‌اش نیست. در ادامه آیه ۷ خداوند می‌فرماید: «فَسَلُّوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»؛ مردم برای پاسخ به سؤال‌هایشان باید به کسانی مراجعه کنند که علم کافی داشته باشند که پیامبران و اهل بیت مصداق کامل اهل ذکر هستند و سرچشمه علم همه پیامبران وحی الهی است.

لازم به ذکر است که در آیات پیشین، کفار می‌گفتند: «هَلْ هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ؟ آیا این مرد، جز بشری مثل شماست؟» و تلاش داشتند با بشر جلوه دادن، جایگاه رسول خدا را پایین بیاورند، ولیکن در این آیه خداوند متعال می‌فرماید: نه تنها این پیامبر بلکه تمام انبیای پیشین نیز انسان‌هایی بودند که به آنان وحی می‌شده است. لذا بشر بودن با پیامبری منافاتی ندارد. در ادامه این مطلب است که خداوند به آنان می‌فرماید: بروید از اهل کتاب (یهود و نصاری) سؤال کنید. در اینجا نیز باید توجه داشت که سؤال از اهل ذکر و رجوع به کارشناس، یک اصل عقلایی است و در این آیه مراد از اهل ذکر، علمای یهود و نصاری هستند (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۵، ص. ۴۲۵). در تأیید این مطلب، روایتی از پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نقل شده که فرمودند: نه عالم اهل سکوت و کتمان باشد، و نه جاهل اهل خاموشی و سؤال نپرسیدن: «لَا يَتَّبِعِي لِلْعَالِمِ أَنْ يَسْكُتَ عَلَى عِلْمِهِ وَلَا يَتَّبِعِي لِلْجَاهِلِ أَنْ يَسْكُتَ عَلَى جَهْلِهِ» (طبرانی، ۱۴۱۵، ج ۵، ص. ۲۹۸).

ح ۵۳۶۵). سپس آن حضرت جهت استناد کلام خود، آیه ذیل را قرائت کردند: «فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (انبیاء / آیه ۷).

ب. تهمت ساحر و شاعر و دروغگو بودن به پیامبر

یکی از موضع‌گیری‌های مشرکان در برابر پیامبر اکرم، دادن نسبت‌های ناروا به ایشان بود از جمله: تهمت ساحر و شاعر و دروغگو بودن، به پیامبر بود. در آیه ۵ سوره انبیاء آمده که کفار نسبت‌های ناروایی به پیامبر می‌زنند از جمله می‌گویند: که او ساحر و شاعر و دروغ‌گوست و سخنانش را به دروغ به خدا نسبت می‌دهد. «بَلْ قَالُوا أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ بَلِ افْتَرَاهُ بَلْ هُوَ شَاعِرٌ...».

ج. تقاضاهای عجولانه کافران برای فرا رسیدن قیامت

یکی دیگر از بهانه‌جویی‌های مشرکان از پیامبر اکرم، شتاب در فرا رسیدن قیامت و عذاب است، چراکه گمان می‌کردند قیامت و عذابی در کار نیست؛ لذا به پیامبر اکرم می‌گفتند که این عذابی که از آن سخن می‌گویی کی فرا می‌رسد. در آیه ۳۸ انبیاء می‌فرماید، کافران غافل و بی‌صبر به پیامبر اکرم می‌گویند: کی عذاب بر ما نازل می‌شود. اگر راست می‌گویی عذاب را برای ما بیاور. «وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» و آن‌ها پیامبر و پیروانش را دروغگو می‌پندارند. در آیه ۳۷ انبیاء خداوند پاسخ می‌دهد و به یکی از صفات زشت انسان یعنی عجول بودن اشاره می‌کند و می‌فرماید: که عجله نکنید خداوند آیاتش یعنی همان بلاها را به شما نشان می‌دهد: «خُلِقَ الْإِنْسَانُ مِنْ عَجَلٍ سَأَرِيكُمْ آيَاتِي فَلَا تَسْتَعْجِلُونِ» و این‌گونه خداوند به پیامبرش دلداری می‌دهد.

د. درخواست معجزه‌های گوناگون از پیامبر

کافران در ادامه بهانه‌جویی‌هایشان از پیامبر اسلام درخواست معجزه‌ای همانند معجزه پیامبران پیشین می‌کنند. در آیه ۵ سوره انبیاء می‌فرماید: «...فَلْيَأْتِنَا بآيَةٍ كَمَا أُرْسِلَ الْأَوْلُونَ»؛ کافران بهانه‌جو از پیامبر اسلام معجزه‌ای مانند معجزه پیامبران پیشین می‌خواستند. در آیه ۷ خداوند در پاسخ به آنها می‌فرماید: «مَا آمَنَتْ قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا أَفَهُمْ يُؤْمِنُونَ»؛ پیشینیان هم از پیامبرشان در خواست معجزه می‌کردند و خداوند به

درخواستشان پاسخ می‌دهد، ولی آنها بازهم ایمان نمی‌آوردند و خداوند آنها را نابود می‌کند و خداوند این‌گونه به آنها هشدار می‌دهد.

هم مسخره کردن پیامبر

کافران از هر شیوه‌ای برای انکار پیامبر اکرم استفاده می‌کردند و علیه ایشان موضع‌گیری می‌کردند که از جمله آنها مسخره کردن پیامبر بود. در آیه ۳۶ سوره انبیاء می‌فرماید که کافران، پیامبر را مسخره می‌کنند: «وَ إِذَا رَأَى الَّذِينَ كَفَرُوا إِذْ يَتَّخِذُونَكَ إِلاَّ هُزُوًا...». خداوند برای دل‌داری به پیامبر در آیه ۴۱ پاسخ می‌دهد: «وَ لَقَدْ اسْتَهْزَى بِرُسُلٍ مِنْ قَبْلِكَ فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ» که همه پیامبران پیشین هم مورد استهزاء قرار می‌گرفتند و خداوند مسخره‌کنندگان را مجازات می‌کند.

۳-۳-۴. نتیجه بی‌توجهی به انذار پیامبران و عاقبت انذارشوندگان

یکی از مهم‌ترین مأموریت‌های پیامبران انذار است، که در بسیاری از آیات قرآن به آن اشاره شده و در برخی از آیات نیز، در رابطه با عاقبت انذارشوندگان صحبت شده است. کسانی که به انذارهای پیامبران بی‌توجه هستند و به آن گوش نمی‌دهند دچار عذاب خواهند شد، ولی مؤمنان و بندگان صالح خداوند مستثنی خواهند شد. در سوره انبیاء بحث انذار بسیار مطرح شده است و یکی از ابزارهای انذار، قرآن است که خداوند در آیه ۱۰ سوره انبیاء آن را وسیله انذار و بیداری معرفی می‌کند «لَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ كِتَابًا فِيهِ ذِكْرُكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ». در آیه ۱۹ سوره انعام نیز می‌فرماید: «... وَ أَوْحَىٰ إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنُ لِأُنذِرْكُمْ بِهِ...» و این قرآن به من وحی شده تا به وسیله آن، شما و هر کس را که این پیام به او برسد، هشدار دهم. سپس خداوند در آیات ۱۱ تا ۱۵ سوره انبیاء برخی از حالات مندرین را در مواجهه با عذاب بیان می‌کند که هنگام نزول عذاب پا به فرار می‌گذارند «فَلَمَّا أَحْسَبُوا أَنَّنَا إِذَا هُمْ مِنْهَا يَرْكُضُونَ» (انبیاء / آیه ۱۲) و مورد ملامت و سرزنش خداوند قرار می‌گیرند. خداوند آنها را سرزنش می‌کند و می‌فرماید فرار نکنید و به زندگی پر ناز و نعمتتان برگردید.

در این هنگام کافران بیدار می‌شوند. «قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ» (انبیاء / آیه ۱۴) هر چند که این بیداری موقت هست و این بیداری اضطراری به‌هنگام عذاب، ارزشی

ندارد. کافران در این موقع بیدار می‌شوند و به ستمگری خویش اعتراف می‌کنند. لازم به ذکر است که این مطلب در دیگر سوره‌های قرآن کریم هم بیان شده است. به‌عنوان مثال در سوره اعراف می‌فرماید: «فَمَا كَانَ دَعْوَاهُمْ إِذْ جَاءَهُمْ بِأَسْنَا إِلَّا أَنْ قَالُوا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ؛ و هنگامی که عذاب ما بر آنان آمد، سخنشان جز این نبود که گفتند: راستی که ما ستمکار بودیم» (اعراف / آیه ۵). سپس به عاقبت کسانی که به این اندازها گوش نمی‌دهند و ظلم و ستم می‌کنند اشاره می‌کند، که خداوند آنها را نابود می‌کند و اقوام دیگری روی کار می‌آیند. در سوره مرسلات هم آمده است: «الَّذِينَ هُمْ يُرْسِلُونَ * نَسُوا اللَّهَ الَّذِي تَسْتعِينُ بِهِمْ بِالْمَلَائِكَةِ الَّتِي يَرْسِلُونَ * إِنَّهُمْ لَكَافِرُونَ * نَسُوا اللَّهَ الَّذِي بَدَأَهُمْ وَنَسُوا حَظِيصَتَهُمْ * إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ * يَتَّبِعُهُمُ الْآخِرِينَ؛ مگر پیشینیان را هلاک نکردیم؟ سپس از پی آنان پسینیان را می‌بریم» (مرسلات / آیات ۱۶ و ۱۷).

آیات ۱۰۵ و ۱۰۶ سوره انبیاء نیز به حکومت صالحان در زمین اشاره دارد که با توجه به آیات ۷۱ تا ۸۵ سوره صافات که به عاقبت اندازشوندگان اشاره دارد و اینکه مؤمنان مستثنی هستند و تنها آنها در زمین باقی می‌مانند و وارث زمین می‌شوند، می‌توان گفت که صالحان و وارثان زمین، همان‌هایی هستند که به اندازها توجه کردند و این‌چنین عاقبتی به آنها وعده داده شده است.

۳-۳-۵. معرفی معجزه و رحمت عامه پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم)

قرآن کریم، معجزه جاوید پیامبر اسلام است که خداوند آن را برای هدایت انسان‌ها نازل کرده است و جایی برای انکار آن وجود ندارد. در آیه ۵۰ انبیاء خداوند می‌فرماید: «وَهَذَا ذِكْرٌ مُبَارَكٌ أَنْزَلْنَاهُ أَفَأَنْتُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ». خداوند در آیه ۱۰۷ سوره مبارکه انبیاء می‌فرماید: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ؛ و تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم». خداوند پیامبر را برای همه جهانیان فرستاده است نه فقط برای گروهی خاص، رحمت پیامبر اسلام شامل همه انسان‌ها و کل بشریت است. همان‌طور که رسالت و تعالیم پیامبر اکرم، اختصاص به زمان و مکان و قوم خاصی ندارد و ویژگی پیامبر اکرم این است که ایشان رسول الهی برای همه انسان‌ها است و لذا خداوند در توصیف ایشان می‌فرماید: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ» (سبأ / آیه ۲۸).

نتیجه‌گیری

در این پژوهش به دنبال آن بودیم تا یکی از مناسب‌ترین روش‌های پژوهش میان‌رشته‌ای و متن‌محور جهت تحلیل نصوص دینی یعنی روش «تحلیل مضمون» را جهت فهم دقیق جایگاه و کارکرد موضوع‌ها و مضامین به ظاهر پراکنده در این نصوص، تبیین نمائیم. بدین منظور ابتدا به معرفی روش مذکور پرداخته و با اجرای این روش بر روی یکی از سوره‌های مشتمل بر موضوع‌های پراکنده قرآن کریم، راهکار ترسیم شبکه مضامین آن سوره را نشان دادیم تا بدین وسیله، جایگاه و شأنیت این موضوع‌ها در بستر فرهنگ اسلامی و چگونگی هویت‌یابی فرهنگی و اجتماعی آنها در جامعه اسلامی آشکار شود. در نهایت نتایج این پژوهش بدین شرح است:

۱- یکی از کارآمدترین روش‌های تحلیل نصوص دینی، روش تحلیل مضمون است که تلاش دارد با دسته‌بندی و طبقه‌بندی مضامین پایه، مقوله‌های اصلی متن را کشف و شناسایی نماید. با استفاده از این روش می‌توان جایگاه هر کدام از موضوعات و مباحث بیان‌شده در متن را شناسایی و تحلیل نمود. تحلیل جایگاه این مضامین در مجموعه شبکه مضامین کلی سوره می‌تواند تبیین‌کننده جایگاه کلی آن موضوع در بستر فرهنگ اسلامی و تحقق آن به مثابه یک هویت فرهنگی در جامعه اسلامی باشد.

۲- جدول تحلیل مضمونی سوره مبارکه انبیاء نشان داد که از مجموع ۱۱۲ آیه این سوره، تعداد ۲۶۳ «مضمون پایه» یا به عبارتی پیام و نکته کلیدی قابل برداشت است. مجموع این مضامین و پیام‌ها که از کتب تفسیری معتبر استخراج شده بودند، در ذیل ۲۲ دسته سازماندهی شد که به آنها «مضامین سازمان‌دهنده» گویند. در نهایت طبقه‌بندی مضامین سازمان‌دهنده در سوره انبیاء ما را به سمت ۳ «مضمون فراگیر» یا مقوله کلی راهنمایی می‌کند که عبارت‌اند از: توحید، نبوت و معاد. این سه مقوله کلی که اصول اساسی و اعتقادی دین مبین اسلام هستند، همه مضامین پایه و موضوع‌های به ظاهر پراکنده این سوره را به همدیگر مرتبط کرده و هویت می‌بخشند.

۳- سنجش فراوانی مضامین پایه نشان می‌دهد که مضمون فراگیر «نبوت» با آماری حدود ۵۸,۹ درصد به مراتب بیشتر از دو مقوله توحید و معاد در سوره مطرح شده است که هم نشان‌دهنده وجه تسمیه دقیق سوره می‌باشد و هم بیانگر این مطلب که

غرض و هدف اصلی از نزول سوره، بیان مهم‌ترین کارکرد انبیاء و رسولان الهی در جامعه اسلامی است. از آنجاکه اصلی‌ترین کار انبیاء، دعوت مردم به توحید و هشدار و انداز آنان نسبت به آخرت است، لذا بالتبع شاهد طرح مسائلی با رویکرد توحیدی و معادی در سوره انبیاء هستیم که این مطلب، تبیین‌کننده ارتباط مباحث پراکنده در سوره بوده و تناسب محتوایی آیات را برقرار می‌کند. همچنین توجه به این مطلب می‌تواند پاسخگوی ابهام ذهنی درخصوص علت‌گزینش و انتخاب بخش‌هایی خاص از داستان برخی انبیاء در سوره باشد چراکه این قسمت‌ها، بیانگر گزارشی اجمالی از عملکرد اصلی انبیاء در سطح جامعه اسلامی بوده و با هدف و محتوای اصلی سوره ارتباط مستقیم دارد.

۴- همچنین از آنجاکه یکی از کارکردهای استفاده از روش تحلیل مضمون، ترسیم شبکه مضامین جهت گویاسازی متن بوده، در ادامه این پژوهش تلاش شد تا شبکه مضامین سوره انبیاء نیز ترسیم شود تا بدین ترتیب، غرض و محور اصلی سوره کشف گردد. در ادامه شبکه مضامین مرتبط و به‌هم پیوسته این سوره بدین صورت ترسیم شده است:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شکل (۲): شبکه مضامین مرتبط و بهم پیوسته سوره انبیاء

کتابنامه

- قرآن کریم (ترجمه محمدعلی رضایی اصفهانی، قم: مؤسسه تحقیقاتی فرهنگی دارالذکر).
- احمدی‌کیا، زهرا (۱۳۹۴). تأثیر نظم در ایجاد انسجام و تناسب معنایی در سوره انبیاء. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.
- اووه، فلیک (۱۳۸۷). *درآمدی بر تحقیق کیفی*. ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
- بازرگان، عبدالعلی (۱۳۷۵). *نظم قرآن*. تهران: نشر پژمان.
- پاکتچی، احمد (۱۳۹۲). *تقد متن*. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).
- زاهد، رقیه (۱۴۰۰). *تحلیل مضامین سوره انبیاء*. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران.
- شیخ‌زاده، محمد (۱۳۹۰). *تحلیل مضمون و شبکه مضامین*. *اندیشه مدیریت راهبردی*. (۱۰).
- شیخ‌زاده، محمد (۱۳۹۱). *الگوی رهبری خدمتگزار مبتنی بر دیدگاه امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه)*. *فصلنامه اسلام و مدیریت*، ۱(۱)، ۷-۳۶.
- شیخ‌زاده، محمد و بنی‌اسد، رضا (۱۳۹۹). *تحلیل مضمون (مفاهیم، رویکردها و کاربردها)*. تهران: نشر لوگوس.
- طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۷۴). *المیزان فی تفسیر القرآن*. ترجمه محمدباقر موسوی. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرانی، سلیمان بن احمد (۱۴۱۵ق). *المعجم الاوسط*. بیروت: دار الحرمین للطباعه و النشر والتوزیع.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۰۸ق). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. به کوشش هاشم رسولی محلاتی و دیگران، بیروت: دارالمعرفه.
- عابدی جعفری، حسن؛ تسلیمی، محمد؛ فقیهی، ابوالحسن و شیخ‌زاده، محمد (۱۳۹۰). *تحلیل مضمون و شبکه مضامین روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی*. *اندیشه مدیریت راهبردی*، سال دوم، (۱۰)، ۱۵۱-۱۹۱.
- عترت دوست، محمد؛ نصیری، امید و غیاثی، هادی (۱۳۹۸). *شبکه مضامین عوامل ایجاد فقر در جامعه اسلامی از منظر آیات قرآن و احادیث اهل بیت (علیهم‌السلام)*.

دوفصلنامه علمی مطالعات قرآن و حدیث، سال سیزدهم، (۲۸)، ۱۵۹-۱۸۷.
فخر رازی، محمد بن عمر (۱۳۷۳ق). *التفسیر الکبیر*. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
قرائتی، محسن (۱۳۸۸). *تفسیر نور*. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
مصباح‌یزدی، محمدتقی (۱۳۸۹). *آموزش عقاید*. قم: مؤسسه امام صادق (علیه‌السلام).
مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الإسلامیه.

Braun, V. & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2).
Given L. M, (2008). The sage encyclopedia of qualitative Methods. *California: sage*, (1-2).

